جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی(فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملا قلی پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | پرویز شیخ طادی (فیلمساز) | داود میرباقری (فیلمساز) | حسین یاری(بازیگر) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی کیا (فیلمساز) | سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان(کارگردان) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | جواد اردکانی (فیلمساز)

مروری بر نظرات شهید آوینی درباره فیلم‌های عباس کیارستمی

زندگی هیچ و ...دیگر هیچ!

■ آرش فهیم

معمول است که هنرمندان بعد از اینکه از دنیا می‌روند، مشـــهورتر می‌شوند. حتی مرگ باعث می‌شود که برخی از هنرمندانی که در دوران حیـــات خود، محبوبیت چندانی نداشتند، ناگهان جایگاه یک «قدیس» را بیابند. این اتفاق برای عباس کیارســـتمی هم رخداد؛ فیلم‌های کیارستمی - بـــه جز تعدادمعدودی- هیچ گاه مخاطب نداشـــتند. اما در برنامه‌هـــای اکـــران آثار وی در روزهـــای پس از فوت، ســـینمای نمایش‌دهنده فیلم‌های او، پر از جمعیت شدند! همه رســـانه‌ها، حتی صداوسیما از بام تا شام به تحسین و ستایش کیارستمی و فیلم‌های وی می‌پردازند؛ بدون حتی یک نگاه انتقادی! این درحالی است که می‌توان ضمن احترام به هنرمند فوت شـــده و تسلیت و بزرگداشت درگذشت او، آثار و مرام هنری او را هم نقد کرد.

هر چنـــد که عباس کیارســـتمی جزو آن دســـته از هنرمندانـــی بود که حتی در دوران حیات هم فیلم هایش کمتر از ســـوی منتقدان نقد شد. فضای جامعه منتقدان و ســـینمایی نویس‌ها طوری بود که کمتر کسی به خودش جرات می‌داد که آثار کیارســـتمی را زیر سوال ببرد. شهید ســـیدمرتضی آوینی از معدود نویسنده‌هایی بود که خلاف جریان آب و بی‌محابا به نقد فیلم‌های عباس کیارســـتمی پرداخت. او در مجموعه آثارش که امروز در قالب کتاب «آینه جادو»(در سه جلد) منتشر شده است، سه فیلم «مشق شب» (محصول ۱۳۶۷)، «کلوز آپ»(محصول ۱۳۶۸) و «زندگی و دیگر هیچ»(محصول ۱۳۷۰) را بررسی کرده بود.

فیلمسازی با پشتوانه شهرت کاذب

آوینی در ابتدای نقد خود بر فیلم «مشـــق شـــب» به ماجرای قدیس‌سازی از برخی افراد خاص و ازجمله شخص عباس کیارستمی پرداخته و نوشته بود:« بگذارید یک نفر هم حرف‌هایی مخالـــف با عادت‌های همگانی بزند، اگرچه به اعتقاد من هنوز هم رســـانه‌ها متعلق به مردم نیستند. من فیلم «مشق شـــب» را این‌گونه توصیف می‌کنم: ده‌ها مصاحبه کشـــدار، تعدادی شات‌های معمولی تلویزیونی از مراسم صبحگاه بچه‌های مدرسه، به علاوه پشتوانه‌ای از یک شـــهرت کاذب که می‌تواند در یک جامعه بیمار سینمایی، یک فیلم معمولی تلویزیونی را به «مشق شب» تبدیل کند. حرف آخر را همین اول بزنیم: تا هنگامی که « بت پرستی» در میان ما رواج داشـــته باشد، «آدم ها» بزرگ می‌شوند نه «حقیقت» و آنگاه رفته رفته «حرف‌ها و افعال آن آدم‌های بت شده» جای «حق» را می‌گیرد و قضایای استدلالی بدین صورت در می‌آیند: «فلانی این چنین گفته اســـت و چون فلانی چنین گفته، پس حق همین است.» البته بنده انکار نمی‌کنم که باید در برابر آدم‌هایی که به حقیقت رسیده‌اند همین گونه عمل کرد، اما ما کجا و حقیقت کجا!»

و در ادامـــه این نقد، می‌خوانیم: « پیش از دیدن فیلم، سخت در انتظار بودم که ببینم این اثر جدید سینمایی که توسط آقای کیارســـتمی ابداع شده چطور چیزی است و البته با اینکه شستم تا حدی خبردار بود که نباید به حرف و حدیث‌های جنابان منتقدان و ســـینمایی نویس‌ها کاملاً اعتماد کرد، اما باز هم هرگز امکان نداشت که بتوانم فاصله میان توهم محض با واقعیـــت را حدس بزنم... و اما بعد از دیدن فیلم... بعد از دیدن فیلم انتظارم مبدل به یک سؤال بزرگ شـــد: چه امری میان این آقایان نقدنویس با ماهیت فیلم «مشق شب» حائل شده که آنها نتوانسته‌اند واقعیت را پیدا کنند: شهرت آقای کیارستمی؟ برخی فیلم‌های نسبتاً خوبی که پیش از این از ایشـــان دیده اند؟ اختصاص دادن یک بخش از جشنواره هشتم به مروری بر فیلم‌های ایشان؟ عدم شناخت سینما؟ وجود این واقعیت که منتقدان ماعموماً تجربه عملی کارسینمایی و تلویزیونی ندارند؟ هیاهوی بسیار برای هیچ؟ فقدان سلامت کافی در فضای سینمایی کشور؟ رعب و شیفتگی و فریفتگی در برابر روشنفکران؟... نمی‌دانم.»

آثار تلویزیونی که به اشتباه به سینما آمده اند

شهید آوینی در بخش‌هایی از نقدهایش، سبک و سیاق فیلمسازی عباس کیارستمی را غیرسینمایی و تلویزیونی می‌دانست. به‌طور مثال، در نقد فیلم «زندگی و دیگر هیچ» نوشته بود:« فیلم‌های کیارستمی نوعا تلویزیونی هستند و تلویزیون همان سینما نیست، اگرچه در کشور ما این اشتباه عمومیت دارد. این نوع فیلم‌ها راهی به سینما نخواهند یافت، هرچند برای مدتی کوتاه در سینماها و یا کانون‌های فیلم به نمایش در آیند. سینما، به مفهوم واقعی لفظ، پذیرای این نوع فیلم‌ها نیست و آنچه این محدوده خاص و کم‌رونق از فعالیت فیلمسازی را زنده نگاه داشته، جشنواره‌های اروپایی، سینه کلوب‌ها... و کانون‌هایی چون «بنیاد سینمایی فارابی» و «کانون فیلم یونان» هستند.»

و در بخش دیگری از همین نقد، نوشـــته بود: « همان آغاز، عناصر و ارکان اصلی داستان بر اطلاعاتی بیرون از خود آن استوار است، یعنی که فیلم مخاطب خاص دارد - آنان که فیلم «خانه دوست کجاست؟» را دیده‌اند- و نیازمند به بروشوری اســـت که پیش از آغاز فیلم اطلاعات لازم را در اختیار مخاطب عام قرار دهد. بگذریم، چرا که علی‌الظاهر این فیلم خود را متعلق به سینمای قصه‌گو نمی‌داند و همان‌طور که درباره فیلم‌های «مشق شـــب» و «کلوز آپ» می‌توان گفت، یک ژانر تلویزیونی اســـت که اشـــتباها در سینماها نمایش داده می‌شود.»

آوینـــی در نقد فیلـــم «کلوز آپ» هم درباره شـــیوه فیلمسازی کیارستمی هم این‌گونه نگاشته بود:«فیلم‌های کیارســـتمی فقط از لحاظ مستند بودن و غرابتش متمایز از کارهای دیگران اســـت. او در ســـینما به جست و جوی چیزی بر آمده اســـت که دیگران در تلویزیون به دنبال آن می‌گردند، و نباید پنداشت که اشتباه می‌کنند. البته اشکال ندارد که فیلم‌های مستند آقای کیارستمی را در سینماها نمایش دهند، اما بد نیســـت ما هم بنشـــینیم و فکر کنیم شاید راه‌های اســـتفاده دیگری نیز از فیلم و سینما وجود داشته باشد. چرا ما به آنچه سینما در طول تاریخش بطور طبیعی بدان دست یافته است توجهی نمی‌کنیم؟ وقتی فیلم بخواهد بطور مستند - از طریق بازسازی واقعیت و یا بدون آن - به یک معضل اجتماعی بپردازد، مصداق لفظ «گزارش مســـتند» قرار می‌گیرد و با آن شیوه‌ای که کیارستمی در

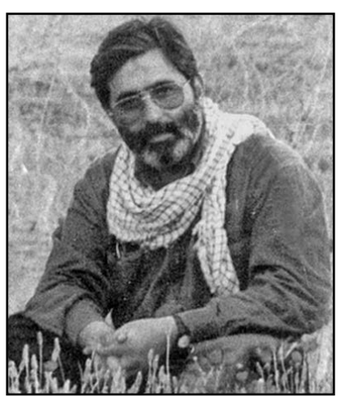

«کلوز آپ» و یا «مشق شب» و یا «همشهری» دارد، فیلم تماماً موکول به یک نتیجه تحقیقی مصور اتخاذ کرده است، «تصویر متحرک» که عنصر اصلی سینماست محدوده بسیار تنگی برای اظهار خصوصیات نهفته در خویش خواهد یافت. اشکالی ندارد؛ هیچ کس نمی‌تواند در ارزش این کار شک کند و حتی بعضی‌ها معتقدند که این کار از ســـاختن فیلم داستانی جدی‌تر اســـت؛ اما معمولاً جای نمایش این گونه فیلم‌ها در تلویزیون بوده اســـت ویا کانون‌هایی که برای این کار اختصاص یافته... »

و در نقد فیلم «مشق شب» هم می‌خوانیم: «مشق شب» یـــک فیلم معمولی تلویزیونی اســـت و در همین تلویزیون خودمان فیلم‌هایی به مراتب قوی‌تر از این ساخته و پخش می‌شود، چه از لحاظ تکنیک و چه از لحاظ مضمون. منتها آنچه که کار آقای کیارســـتمی را از دیگران تمایز می‌بخشد ذکاوت روشنفکرانه ایشان در انتخاب مضامین است و اینکه ایشـــان هر موقع که اراده بفرمایند همه امکانات فیلمسازی کانـــون پرورش فکری در اختیارشـــان قـــرار می‌گیرد. آن «ذکاوت» را هم که عرض کردم، نوعاً همه خبرنگاران موفق شـــبکه‌های تلویزیونی در خارج از کشور دارا هستند و اگر رو دربایســـتی‌ها را کنار بگذاریم، باید همه یا به این نتیجه واقع‌بینانه برسیم که فیلم‌هایی چون «مشق شب»، «کلوز آپ» و غیرآن، یک ژانر جدید سینمایی نیست و خصوصیتی که اعجاب منتقدان را برانگیخته این است که آقای کیارستمی کارهایی را که باید در تلویزیون انجام شود در سینما انجام می‌دهند... فیلم «مشـــق شـــب» از لحاظ مستند بودن هم ارزشی ندارد، برای اینکه اصلاً واقعی نیست؛ یک « تحقیق مصور » باید نسبت به واقعیت «بی طرف» باشد و یک تنه بـــه قاضی نرود. در تمام طول فیلـــم حتی یک مصاحبه با «معلم»ها انجام نگرفته و کار با روش‌های معقول کارشناسی در امر پژوهش انجام نمی‌شود. در برابر همه استدلال‌هایی که در فیلم عنوان می‌شود، مربیان و صاحب نظران دیگری هم هستند که حرف‌هایی دارند بسیار مستدل و مستند به آمار، خلاف نظرهای آقای کیارستمی؛ اما کسی نظر آنها را نمی‌پرســـد، چرا که قرار است همه آنها که در فیلم عنوان می‌شوند عواملی مؤید دیدگاه ایشان درباره تعلیم و تربیت باشند. یک برخورد غیرمغرضانه ایجاب می‌کند که حداقل حرف‌های این کارشناســـان نیز در میان مجموعه این همه مصاحبه‌های خسته کننده و کشدار گنجانده شود و باز اگر کسی کارش ساختن فیلم‌های مستند باشد می‌داند که آقای کیارستمی چه بلایی بر سر بچه‌ها آورده و از آنها بازی گرفته است. باید وقایع پشت صحنه این فیلم کاملاً مورد بررسی قرار گیرد و همه آنچه که آقای کیارستمی در هنگام مونتاژ به دور ریخته است بازبینی شود. شرایط خاصی که از لحاظ روانی برای بچه‌ها ایجاد شـــده در خود فیلم نیز مشـــخص است: زیر آن نورها، جلوی یک دوربین ناآشنا و در فضایی که بیش‌تر به اتاق باز جویی شـــباهت دارد و در برابر آقایی که یک عینک دودی به چشـــم زده و به او اجازه داده‌اند تا وارد سیرتا پیاز زندگی خصوصی و خانوادگی مردم بشود و ســـاعت‌ها بچه‌ها را بازجویی کند، آن هم با آن لحن بدون عاطفه و نسبتاً تحکم آمیز.

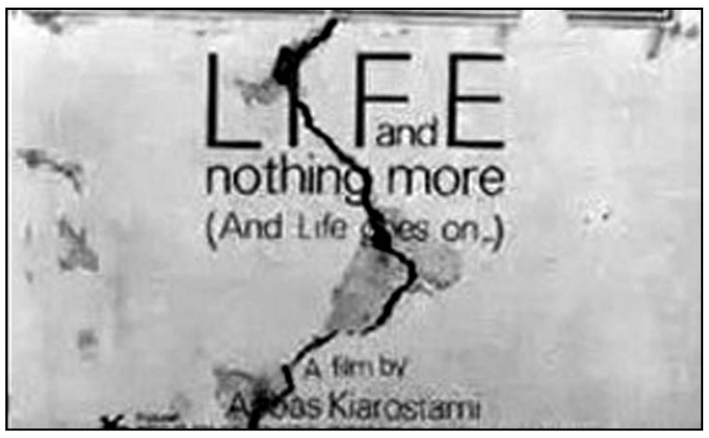

جهان بینی فیلم‌های کیارستمی

اما ســـیدمرتضی آوینی تنها به نقد ســـاختار فیلم‌های کیارســـتمی محدود و معطوف نشده بود. بلکه در نقد فیلم «زندگـــی و دیگر هیچ»، جهان بینـــی و جهان فکری این فیلمســـاز را نیز تحلیل کرده بود. به طوری که در بخشـــی از این نقدآورده شـــده بود: « من با نقد مضمون در ســـینما مخالفم، چرا که اعتقاد دارم در ســـینما تکنیک از مضمون اهمیت بیشـــتری دارد، اما در اینجا ناچار شده‌ام به نقادی مضمون فیلم بپردازم، زیرا این فیلم مدعی نگاهی شکوهمند و زیبا به زندگی است.اما شهید آوینی نگاه فیلم کیارستمی به زندگی را در فیلم «زندگی و دیگر هیچ» این‌گونه نقد کرده بود: کیارســـتمی به رنج و مرگ نزدیک نمی‌شود تا امکان ایجاد چنین تصوری فراهم آید. حرف‌هایی که در دهان تازه داماد گذاشته تهوع‌آور است؛ او از قربانیان زلزله طوری حرف می‌زند که گویی آنها جز لاشه‌هایی سد راه برگزاری عروسی و قضای حاجات جنسی بیش نیستند. این تصویر توهین‌آمیز از زندگی بیشتر به زندگی سگ‌ها نزدیک است تا انسان‌ها... همه مظاهر حیات که کارگردان فیلم «زندگی و دیگر هیچ» در آن سرزمین بلازده جسته است از همین نوع هستند.»

و در بخش دیگری از این نقد، می‌خوانیم:« مردمی که آقای کیارستمی دیده است اشیا را می‌پرستند و مثل کنه به باقیمانده ابزار زندگی خویش چسبیده‌اند، به لحاف و تشک و بالش و قالیچه و کتری و سطل... و کپسول گاز: [...] و فیلم پر اســـت از این مظاهر توهین‌آمیز حیات، و آنگاه در کتاب دهمین جشنواره فجر درباره فیلم نوشته‌اند: «علی‌رغم عمق فاجعه و ویرانی و کشتار بسیار، زندگی با همه شکوه و زیبایی خود برای بازماندگان حادثه ادامه دارد.» زندگی با همه شکوه و زیبایی خود! همین فیلم با مختصری تغییر می‌تواند معنایی کاملا وارونه آنچه آقای کیارســـتمی مراد کرده است نیز به خود بگیرد: مـــردی رفاه‌زده و معتاد به زندگی تکنیکی، با همه معیارهای یک شـــبه روشنفکر بورژوا، در برابر یکی از بزرگترین بلیات قرن قرار می‌گیرد، اما از کنار واقعیت آن و با فاصله‌ای بسیار دور عبور می‌کند. او در برابر بلایی چنین عظیم باز هم قدرت و جرأت همدردی و همراهی با مردم و نزدیک شدن به واقعیت رنج و مرگ را ندارد و باز هم مثل همیشـــه، در این ماجرا نیز به جستجوی علقه‌های کوچک و دل مشغولی‌های حقیر خویش بر می‌آید. نه در برابر این پرســـش بزرگ آفرینش قرار می‌گیـــرد که «چرا؟» و نه به نفس‌الامر واقعه نزدیک می‌شود، و از آن میان، تنها چشم به مظاهری از حیات حیوانی بشر می‌گشاید و می‌گذرد: قضای حاجات، خوردن و خوابیدن ... نوشابه، فوتبال، کپسول گاز، کاســـه مسترات و غیره. در چشم او مردم حیواناتی هستند که در همه حال، حتی در هنگامی که بزرگ‌ترین رنج های عالم امکان به آنان روی می‌آورد، ناگزیر از بر آوردن نیازهای سخیف خویش هستند. او انسان را به صورت مجموعه‌ای از اعضا و اسافل می‌نگرد و لاغیر.... یعنی این فیلم می‌توانست به همین صورت، امـــا با مختصری تغییر، صورتی انتقادی نســـبت به آن مرد رفاه زده شبه روشنفکر بورژوا پیدا کند که همراه پســـرش در ســـفر اســـت. اما چنین نشده است و اکنـــون باید پذیرفت که این مرد نمی‌تواند کســـی دیگر جز کارگردان فیلم باشـــد. فیلم از کنار زلزله می‌گذرد و به آن نزدیک نمی‌شـــود، زیرا پیامی چنین که کیارستمی در جست‌وجوی آن است با سفر به عمق فاجعه منافات دارد و بنابراین، در فیلم «زندگی و دیگر هیچ» جز لانگ شاتی از زلزله نخواهید دید...»

شاید قابل تأمل‌ترین بخش‌های نقد شهید آوینی بر این فیلم، آنجایی باشد که بعد جشنواره‌ای «زندگی و دیگر هیچ» را بـــا زبان کنایه، مطرح می‌کند: «زندگی و دیگر هیچ» نام خوبی برای این فیلم نیست. بهتر آن بود که نام این فیلم را از میان این نام‌ها که بر می‌شمرم انتخاب می کردند: «زندگی یعنی هیچ!» یا «هـ مثل هیچ!» یا «باغ وحش انســـانی» یا «انسان فرزند میمون است و دیگر هیچ!» یا «زندگی سگی» ... و یـــا «نمای نزدیـــک از آقای خردمند» یا «یک بورژوا و پسرش در منطقه زلزله‌زده» یا «رنو، محصولی از فرانسه» یا «زنده باد جشـــنواره کن!» و یا «زنده باد آقای حقیقت، پخش‌کننده فیلم‌های ایرانی در فرانسه!». قابل توجه است که تنها کمک کار زلزله‌زدگان، «اتومبیل صلیب سرخ» است؛ تنها اتومبیلی که در سراسر فیلم به چشم می‌آید «رنو» است، محصولی از فرانسه؛ و پوستری هم که از فیلم «خانه دوست کجاست؟» به دیگران نشان می‌دهند، «پوستر فرانسوی» این فیلم است. پس زنده باد جشنواره کن! و آقای حقیقت، پخش‌کننده فیلم‌های ایرانی در فرانسه!»

رویکرد اجتماعی فیلم‌های کیارستمی

سیدمرتضی آوینی در نقد خود بر فیلم «مشق شب» به بررســـی رویکرد و نگاهی اجتماعی عباس کیارســـتمی پرداخته است. در بخش‌هایی از این نوشته می‌خوانیم:« نگاه فیلم «مشـــق شب»، نگاه یک آدم مرفه با فرهنگ و تربیت اروپایی اســـت، اما آنچه زیـــر ذره‌بین رفته، زندگی مردمی است به شدت فقیر و درگیر با مشکلاتی که معمول زندگی فقراســـت با فرهنگی کاملاً متفاوت. اینجا فقط مشق شب نیســـت که مورد سؤال واقع می‌شود بلکه آماج حمله، همه مسائل فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاسی است، منتها از نگاه یک آدم مرفه اشراف‌منش با تربیت و فرهنگ اروپایی.

بنده و بســـیاری دیگر از کسانی که این فیلم را دیده‌اند و با من درباره آن سخن گفته‌اند، نه تنها از میان مصاحبه‌ها به نتایجی که آقای کیارستمی می‌خواست نمی‌رسیدیم، بلکه مرتباً عذاب می‌کشـــیدیم که چرا فیلم درد این محرومان را نمی‌فهمد و چرا آقای کیارستمی این همه با فضای زندگی اجتماعی این بچه‌ها غریبه است و فقط دنبال سؤالات خودش را می‌گیرد و به هر ضرب و زوری هست و می‌خواهد معیارهای زندگی اشراف‌منشی را بر زندگی فقیرانه این بچه‌ها بار کند... و خوب، معلوم است که با توجه به این قرائن همه مسائل خیلی که واقعی باشد، با توجه به قرائن و شواهد مختلف و در میان مجموعه پلان‌های گوناگون، معانی متفاوتی پیدا می‌کند. یک صحنه گریه‌دار را می‌توان در میان مجموعه‌ای ازنماها طوری قرار داد که کاملاً خنده‌آور شود. آنچه به همه نماهای فیلم معنا می‌بخشد نگاه فیلمساز است و هرحرفی که همه وقایع را در جهت رســـیدن به خود معنـــا می‌کند؛ چه در هنگام فیلمبرداری و چه در موقع مونتاژ. فیلمســـاز دائماً در حال انتخاب است- چه در فیلم داستانی و چه در فیلم مستند - و حرف او رفته‌رفته از میان همین انتخاب‌های پی‌درپی بیان می‌شود. انتخاب سرنوشت‌ساز دیگری نیز در همگام مونتاژ انجام می‌گیرد، که فیلم را به «پایان» می‌رساند.»

آگهی ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به اینکه هیئت حل اختلاف مســـتقر در اداره ثبت اســـناد و املاک بندرعباس به شـــرح رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۲۳۰۵۴۰۰۰۱۹۸ مـــورخ ۹۵/۳/۱۹ تصرفـــات مالکانه ســـیدعلی بزرگ حســـین‌آبادی فرزند سیدیوســـف تحت عنوان شـــدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۲۲/۴۶ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۵ و ۴۸۴۰/۴ - اصلی واقع در بلوار پاســـداران بخش یک بندرعباس به استناد بند ت ماده یک و ماده سه قانون آئین‌نامه مذکور را تایید نموده اســـت به جهت عدم دســـترسی به مالک اولیه مقرر گردید پس از انتشـــار آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تســـلیم گردید علی‌هذا در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ســـاختمانهای فاقد ســـند رسمی مذکور و ماده ۱۳ آئین‌نامه مذکور در دو نوبت به فاصلـــه ۱۵ روزه آگهی جهت اطلاع عموم و مالک و صاحبان حقوق آگهی می‌گردد. چنانچه ظرف مهلت دو ماه از تاریخ اولین انتشـــار آگهی اعتراضی از طرف کســـی به اداره ثبت اسناد و املاک بندرعباس وارد نگردد سند مالکیت بر اســـاس مفاد رای صادر فوق در حدود و صلاحیت وفق مقررات صادر خواهد گردید در صورت وصول اعتراض معترض می‌بایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف مهلت یک ماه به دادگاه صالحه محل مراجعه و تقدیم دادخواســـت نماید لذا پس از سیری شدن مهلت مذکور و عدم ارائه تقدیم دادخواست، اداره ثبت اسناد و املاک بندرعباس نسبت به صدور سند مالکیت اقدام خواهد نمود و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۴/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۴/۲۸

اسمعیل ربیعی‌نژاد
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بندرعباس

آگهی ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به اینکه هیئت حل اختلاف مســـتقر در اداره ثبت اســـناد و املاک بندرعباس به شـــرح رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۲۳۰۵۴۰۰۰۷۵۲ مورخ ۹۵/۳/۲۷ تصرفات مالکانه امیرحســـین دهقان حســـین‌آبادی فرزند محمدجلال تحت عنوان شـــدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۴/۹۷ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۳۴۳ - اصلی واقع در خیابان پدران آسمانی جنب مسجد امام شافعی بخش یک به استناد بند ت ماده یک و ماده ســـه قانون آئین‌نامه مذکور را تایید نموده اســـت به جهت عدم دسترسی به مالک اولیه مقرر گردید پس از انتشـــار آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تسلیم گردید و علی‌هذا در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ســـاختمانهای فاقد ســـند رســـمی مذکور و ماده ۱۳ آئین‌نامه مذکور در دو نوبت به فاصلـــه ۱۵ روز اگهی جهت اطلاع عموم و مالک و صاحبان حقوق آگهی می‌گردد. چنانچه ظرف مهلت دو ماه از تاریخ اولین انتشـــار آگهی اعتراضی از طرف کســـی به اداره ثبت اسناد و املاک بندرعباس وارد نگردد سند مالکیت بر اســـاس مفاد رای صادر فوق در حدود و صلاحیت وفق مقررات صادر خواهد گردید در صورت وصول اعتراض معترض می‌بایست از تاریخ تســـلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف مهلت یک ماه به دادگاه صالحه محل مراجعه و تقدیم دادخواســـت نماید لذا پس از سیری شدن مهلت مذکور و عدم ارائه تقدیم دادخواست، اداره ثبت اسناد و املاک بندرعباس نسبت به صدور سند مالکیت اقدام خواهد نمود و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۴/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۴/۲۸

اسمعیل ربیعی‌نژاد
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بندرعباس

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۷۰۰۱۰۰۱۶۱۵ هیئت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ســـاختمان‌های فاقد ســـند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه یک اهواز تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای ســـعید رسامی فرزند عوده بشـــماره شناسنامه ۵۲۸ صادره از دشت آزادگان به شـــماره ملی ۱۹۸۸۶۶۵۱۰۸ در یک باب ساختمان به مســـاحت ۱۷۹/۰۸ متر مربع در قسمتی از پلاک ۱۵۵۹ بخش ۳ اهواز خریداری شـــده موضوع نامه شـــماره ۱۶۹/۴۲۱۰۶۴-ن-۹۴/۱۲/۴ انتقالی از سناد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) (مالک رســـمی) که طی ارائه مبایعه‌نامه شماره ۸۹/۴/۱۵-۱۰۷۸ در قطعه یی به متقاضی انتقال یافته محرز گردیده اســـت. لذا بـــه منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شـــود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور ســـند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشـــند می‌توانند از تاریخ انتشـــار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ضمنا صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۹۵/۴/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: سه‌شنبه ۹۵/۵/۱۲

اسفندیاری‌نیا
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک اهواز
۵/۱۸۳۸ م/الف

«آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی»

برابر رأی شـــماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۷۰۰۱۰۰۱۴۱۹- ۹۵/۳/۱۰ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد ســـند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه یک اهواز تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای عزیز هلیچی فرزند خلیف بشماره شناسنامه ۸۱۴۵ صـــادره از اهـــواز به شـــماره‌ملی ۱۷۵۸۰۳۲۲۰۰ در یک باب ساختمان به مساحت ۱۱۰۵/۲۲ مترمربع در قسمتی از پلاک ۶۷/۱۴ بخش ۴ اهواز خریداری شده موضوع سهمی آقای فریدون مقیمی‌زاده (مالک رســـمی) که طی ارائه وکالتنامه رسمی و قولنامه‌های عادی به متقاضی انتقال یافته محرز گردیده اســـت. لذا به منظور اطلاع عموم مراتـــب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شـــود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشـــار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تســـلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تســـلیم اعتراض، دادخواســـت خود را به مرجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی اســـت در صورت انقضای مدت مذکـــور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۹۵/۴/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: سه‌شنبه ۹۵/۵/۱۲

اسفندیاری‌نیا
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک اهواز
۵/۱۷۵۳ م/الف

«آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی»

برابر رأی شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۷۰۰۱۰۰۱۳۲۴/م ف-۹۵/۳/۹ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ســـاختمان‌های فاقد ســـند رسمی مســـتقر در واحد ثبتی ناحیه یک اهواز تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای عباس خدابخشـــی شورشجانی فرزند علمدار بشماره شناســـنامه ۳۰۲ صادره از اهواز به شماره‌ملی ۱۷۵۶۵۶۹۵۸۴ در یک باب ساختمان به مساحت ۱۵۲مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۴/۳۵۸ باقیمانده بخش ۴ اهواز خریداری شده موضوع مالکیت مشـــاعی نامبرده ذیل دفتر ۳ صفحه ۴۸۶ (مالک رسمی) که طی سند شماره ۱۸۰۱۰-۹۵/۱/۸ دفترخانه ۲۶۶ اهواز به وی انتقال یافته محرز گردیده اســـت. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور ســـند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تســـلیم و پس از اخذ رســـید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواســـت خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صـــورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات ســـند مالکیت صادر خواهد شد. ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۹۵/۴/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: سه‌شنبه ۹۵/۵/۱۲

اسفندیاری‌نیا- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک اهواز
۵/۱۷۳۵ م/الف

آگهی ابلاغ مفاد دادخواست و ضمائم

آقای ســـیدامین موســـوی‌فر فرزنـــد هدایت دادخواســـت بطرفیت حمید رفیعی فرزند حســـن به خواســـته مطالبه مبلغ نوزده میلیون تومان دادخواســـت تقدیم کرده که به این شـــعبه ارجاع به شـــماره ۵۵۲/۱۳/۹۴ حقوقی به ثبت رســـیده اســـت حسب تقاضای نامبرده و اجازه محکمه مســـتنداً به ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشـــار درج و از نشـــر آگهی در روز شنبه مورخ ۹۵/۵/۳۰ ساعت ۹صبح در جهت دادرسی در شعبه شـــورای حل اختلاف مجتمع شماره دو حضور یابد و یا قبل از موعد مقرر به دفتر شـــعبه مراجعه و با دریافت نســـخه ثانی دادخواست و ضمائم هرگونه دفاع و پاســـخی به دعوی مطروحه وارد قبل از جلسه دادرســـی اعلام نماید بدیهی اســـت در صورت عدم حضور و یا عدم ارسال لایحه دادگاه تصمیم مقتضی خواهد گرفت.

شعبه ۱۳ شورای حل اختلاف مجتمع شماره دو اهواز

آگهی دعوت از اشخاصی که از غایب آقای محمد کلانتری فرزند موسی خبری دارند:

نظـــر به اینکه خانم مرجان کلانتری فرزند محمد در تاریخ ۹۴/۱۰/۲۶ دادخواســـتی بطرفیت موســـی کلانتری و نسرین لایقی و دادستان عمومی و انقلاب فلاورجان با موضوع صدور حکم موت فرضی غایب فوق‌الذکر ارائه نموده که به کلاســـه ۹۴۱۲۵۶ این دادگاه ثبت شده است، لذا بدینوسیله در اجرای ماده ۱۰۲۳ قانون مدنی بموجب این آگهی از اشخاصی که از غایب مذکور (آقای محمد کلانتری فرزند موسی به شـــماره شناســـنامه ۲۱۵۳ صادره از اصفهان متولد ۱۳۵۶/۱/۲ بـــه کدملی (۱۲۸۹۰۰۴۲۵۰) خبری دارند یا از حیات و ممات وی مطلع می‌باشند دعوت می‌گردد مراتب را به اطلاع این محکمه برسانند.

احمدرضا قاضی- رئیس شعبه دوم حقوقی دادگستری فلاورجان

آگهی فقدان سند مالکیت

ســـند مالکیت دویســـت و پنجاه سهم مشاع از پانصد سهم مشـــاع از یکصد و بیست و پنج‌هزار ســـهم یک فرد از یکصد و بیســـت و یک هفت هشـــتم سهم از ۵۸۸ سهم ششدانگ پلاک ۳۱ اصلی واقع در بخش ۵ قزوین ذیل ثبت ۲۰۱۳۳ صفحه ۳۳۷ دفتر جلد ۷۷ با شـــماره چاپی ۹۸۴۹۰۱ بنام خانم مریم جلالی‌لوتی فرزند حاجی صادر و تسلیم گردیده. مالک با ارائه دو برگ شهادت شهود مدعی فقدان سند به علت سرقت گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی خود را نموده که مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه اصلاحی قانونی ثبت اعلام می‌گردد تا هرکس به نحوی از انحاء نسبت به ملک مذکور حقی داشـــت یا معاملاتی به نفع او شده و یا مدعی وجود سند در نزد خود باشد از تاریخ انتشار این آگهی تا مدت ده روز ضمن مراجعه به این اداره اعتراض خود را با ارائه اصل سند مالکیت و سند معامله تسلیم نماید و چنانچه در ظرف مدت مقرر اعتراض به این اداره نرســـد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صاد